

ادراک دانش آموختگان حوزه های تحصیلات نظری و مهارتی از پدیده اشتغال و کسب درآمد

مریم رزم آور^۱

چکیده

هدف کلی این پژوهش سنجش ادراک دانش آموختگان حوزه های تحصیلات نظری و مهارتی از پدیده اشتغال و کسب درآمد می باشد. پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی؛ و از حیث ماهیت، کیفی است. جامعه آماری پژوهش شامل دانش آموختگان فارغ التحصیل شده در رشته های مهارتی در مقطع دیپلم فنی و افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم رشته های تجربی، ریاضی و علوم انسانی در شهر گرمسار در سال ۱۴۰۰ می باشد. حجم نمونه تعداد ۳۰ نفر که ۱۵ نفر آنان را افراد گروه متوسطه تجربی، ریاضی و علوم انسانی و ۱۵ نفر آنان نیز فارغ التحصیل شده در رشته های مهارتی تشکیل داده بودند. روش نمونه گیری نیز به صورت نمونه گیری متوالی یا متواتر (افزایش حجم نمونه تا زمانی رسیدن به کفایت) می باشد. برای جمع آوری اطلاعات از مصاحبه های عمیق و ژرف نگر استفاده شد، سوالات اولیه که برای پژوهش در ابتدای پژوهش طراحی شد عبارتند از آیا موضوع اشتغال در گرایش شما به کسب تحصیلات نظری و مهارتی چه اندازه مهم بوده است؟ همچنین موضوع کسب درآمد در گرایش شما به کسب تحصیلات نظری و مهارتی چه اندازه مهم بوده است؟ مدت مصاحبه به طور متوسط ۳۰ دقیقه بود. ابزار پژوهش مصاحبه و نرم افزار مورد استفاده Nvivo می باشد و روش تجزیه و تحلیل داده ها نیز کد گذاری باز می باشد. نتایج پژوهش نشان داد که افراد دارای مدرک تحصیلی رشته ریاضی دارای مزیت قابل توجهی در اشتغال نسبت به رشته های علوم انسانی و تجربی هستند. همچنین دارندگان رشته کامپیوتر آموزش دیده حرفه ای از نظر کسب درآمد بیشتر از سایر رشته های مهارتی رضایت بیشتری دارند. همچنین افراد دارای مدرک تحصیلی رشته تجربی دارای مزیت قابل توجهی در اشتغال نسبت به رشته های علوم انسانی و تجربی هستند. همچنین دارندگان رشته بافندگی آموزش دیده حرفه ای از نظر کسب درآمد از سایر رشته های مهارتی رضایت بیشتری دارند.

واژگان کلیدی: تحصیلات نظری و مهارتی، اشتغال، کسب درآمد.

مقاله علمی پژوهشی

^۱ مربی اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان سمنان

مقدمه

امروزه هنگام با شغل جدید باید بر روی مهارت های آموزشی و مفاهیم با عناصر کلیدی کارآفرینی کار شود. تجارب زیادی از کشورهای با اقتصاد توسعه یافته قابل وصول است که بیانگر این مطلب است که این کشورها، بخش عظیمی از دستاوردهای توسعه اقتصادی خود را مدیون توسعه نگری های اشتغال زایی به ویژه از طریق ارتقاء آموزش های مهارتی بوده اند. حال با توجه به نقش و رابطه آموزش های مهارتی با نگرش اشتغال زایی و کارآفرینی و اعتقاد به توسعه اشتغال پایدار در جامعه و کمک به حل معضل بیکاری جوانان، سعی در بررسی رابطه ی بین این گونه آموزش ها و نگرش اشتغال زایی و اقتصاد دانش محوری و توسعه اقتصادی شده است. این روزها شاهد اجرای طرح هدایت تحصیلی در بین دانش آموزان پایه نهم دوره اول متوسطه با هدف انتخاب رشته ای متناسب با توانایی، علایق و استعداد دانش آموزان و نیز ایجاد توازن تحصیل آنان در رشته های نظری و فنی و حرفه ای هستیم در حالی که باید به این مهم که رشته های مهارتی تضمینی برای آینده شغلی است، نگاه عمیقی داشت. یکی از اهداف مهم اجرای طرح هدایت تحصیلی، فراهم ساختن زمینه کار و تضمین اشتغال نسل آینده کشور است تا سالانه بر شمار بیکاران افزوده نشود لذا از انتخاب رشته های زیرمجموعه شاخه فنی حرفه ای و کاردانش می توان به عنوان یک تضمین مطمئن برای آینده شغلی این دانش آموزان یاد کرد. اجرای طرح هدایت تحصیلی بر اساس استعداد و عملکرد تحصیلی دانش آموزان، سرآغازی برای کمک به کسب شغل آنان در آینده است انتخاب رشته تحصیلی آگاهانه برای داشتن شغلی مناسب در آینده نه چندان دور نیاز به بایدها و نبایدهایی دارد که مهمترین آن را هدایت صحیح دانش آموزان به سمت رشته های فنی حرفه ای و کاردانش در هنرستان ها تشکیل می دهد.

بیان مسئله

در حالی که در اغلب کشورهای دنیا مهارت آموزی و دوره های کارآموزی بسیار مورد توجه است و بخشی از نیروی مورد نیاز بازار کار از این طریق تربیت و تأمین می شود، در کشور ما هنوز آن طور که باید و شاید دوره های آموزش عملی و کارآموزی جدی گرفته نمی شود. این در حالی است که کارشناسان معتقدند توجه به دوره های کارآموزی و مهارت آموزی می تواند ضمن ایجاد زمینه برای اشتغال زایی، کمک شایانی به حل مشکل بیکاری کند و همچنین منجر به افزایش میزان تولید شود و حرکتی رو به جلو در این زمینه باشد. البته مشروط به آنکه نوع مهارت ها و دوره های آموزشی براساس برنامه ریزی کامل و جامع و با نگاه دقیق به نیاز بازار کار و همچنین براساس آمایش سرزمینی باشد. در عین حال صاحب نظران بر این باورند که آموزش های عملی و همچنین مهارت های حین انجام کار هم می تواند منجر به ارتقای بهره وری بنگاه ها شود. از

همین رو کارشناسان نقش آموزش های حین خدمت و حین انجام کار و یادگیری و تبدیل آنها به یک دانش انباشته شده در یک بنگاه را بزرگ ترین سرمایه آن بنگاه ارزیابی می کنند.

امروزه دامنه بحران بیکاری در جامعه به قدری جدی است که باعث دغدغه فکری اکثر خانواده ها و مسئولین کشور شده است. در این میان خیل انبوه دانش آموختگان بیکار دانشگاهی بر دامنه این بحران افزوده است. عدم استفاده و برنامه ریزی مناسب برای این قشر آسیب پذیر، خسارت جبران ناپذیری برای کشور به دنبال خواهد داشت. بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی یکی از بزرگ ترین معضلات اقتصادی در کشور ما، به عنوان محور اصلی توسعه و پیشرفت اقتصادی جامعه است. کم توجهی نظام آموزش عالی به نیازهای جامعه یکی از دلایل بروز بحران و بیکاری فارغ التحصیلان است، در صورتی که نیاز اساسی یک فارغ التحصیل دانشگاهی برای رسیدن به شغل و پذیرش مسئولیت های تخصصی جامعه، مهارت است؛ یعنی فرد علاوه بر داشتن توانایی های ذهنی، فیزیکی و سطح تحصیلات و همچنین ویژگی های رفتاری چون شخصیت، نوع نگرش، انگیزش و ارزش های فردی باید مهارت های فنی، انسانی و ادراکی نیز در طول دوران تحصیل کسب کند. (کلیموا، ۲۰۱۵)

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

تربیت نیروی انسانی متخصص، اشتغال زایی و استفاده از تخصص آنها از جمله دغدغه های اصلی نظام آموزش عالی است. جمعیت مولد جمعیتی متخصص است و آموزش عالی در هر کشوری وظیفه تأمین نیروی انسانی متخصص در زمینه های مختلف را بر عهده دارد. به همین منظور، گسترش دانشگاهها در سالهای اخیر موجب افزایش تعداد دانش آموختگان در بیشتر رشته ها از جمله رشته های مهندسی شده است. در این زمینه دانشگاهها برای پرورش نیروی انسانی باید شرایط شغلی و مهارتهای لازم مورد تقاضا را شناسایی کنند، زیرا آمار دانش آموختگان بیکار دانشگاهها تا حدودی نشان دهنده ارتباط نامناسب برنامه های درسی آموزش عالی با حوزه صنعت، مشاغل و تواناییهای بالقوه موجود در صنایع است. این امر نبود تخصصهای لازم در صنایع و افزایش بیکاران تحصیل کرده بدون مهارتهای لازم را به دنبال خواهد داشت. (مومنی و کاظم پور ۱۳۹۱)

اهداف پژوهش

- تشریح ادراک و برداشت دانش‌آموختگان رشته‌های نظری از اشتغال و کسب درآمد
- تشریح ادراک و برداشت دانش‌آموختگان رشته‌های مهارتی از اشتغال و کسب درآمد

سوال‌های پژوهش:

- دانش‌آموختگان رشته‌های نظری چه برداشتی از اشتغال و کسب درآمد دارند؟
- دانش‌آموختگان رشته‌های مهارتی چه برداشتی از اشتغال و کسب درآمد دارند؟

بازاندیشی در آموزشهای فنی و حرفه‌ای

جهانی شدن فرایندهای اقتصادی و اوج گرفتن رقابتهای اقتصادی بین‌المللی، توسعه پایدار کشورها را منوط به به‌رهگیری از نیروهای متخصص، جوان و فعال در بخش اقتصادی ساخته است. نیروهایی که با کسب مهارتهای شغلی و حرفه‌ای بتوانند نیازهای بازار کار را بخوبی برآورده سازند و در مقابل، از شکوفایی اقتصادی حاصل از تلاش خود بهره‌مند گردند. مک‌لین مدیر یونیوک (۲۰۰۵) به صراحت اعلام می‌کند ۲۱ درصد مشاغل دنیا نیازمند مهارتهای فنی-حرفه‌ای هستند (به نقل از نجفی و همکاران، ۱۳۹۲) در همین راستا سازمان فنی-حرفه‌ای به عنوان سازمانی واسطه نیروهای غیر ماهر و کارشناسان متخصص، وظیفه مهارت‌آموزی و تربیت تکنسین‌های حرفه‌ای را بر عهده دارد تا با اتصال حلقه‌های اصلی منابع انسانی در بخش حرفه‌ای و اقتصادی، فرایند توسعه پایدار را تسریع بخشد. سرعت بخشیدن به توسعه پایدار و افزایش توان رقابت اقتصادی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی از طریق مهارت‌آموزی و تقویت حرفه‌ای کارکنان بخش اقتصادی در صورتی امکان‌پذیر است که برنامه‌های سنجیده و اثرگذاری در زمینه مهارت‌آموزی فعالان بخش اقتصادی و مجهز نمودن آنها به مهارتهای جدید و فراملی تدوین گردد و جوامعی که واجد چنین برنامه‌هایی باشند، گوی سبقت را در این عرصه از سایرین ربوده و در جهت پیشبرد اهداف کلان داخلی و خارجی خود موفقتر عمل خواهند نمود. بنابراین تحقق اهداف اقتصادی در سایه ایجاد آموزشهای کیفی و تعلیم و تربیت افراد مستعد و علاقمند به حرفه

آموزی یا بازآموزی حرفه ای، ارتقاء مهارت‌های شغلی در سطوح مختلف مهارتی و تربیت مدیران و سرپرستان و مربیان متخصص و ورزیده، امکانپذیر است و پایه های بنیادین شکل گیری مراکز فنی حرفه ای بر آن استوار گردیده است.

تاثیر مهارت در اشتغال با تاکید بر آموزش های فنی و حرفه ای

آنچه خصوصیات و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می کند منابع انسانی آن کشور است و نه سرمایه و منابع مادی آن. برای مثال فردریک هاربیسون (۲۰۰۹) معتقد است که منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت ها را تشکیل می دهد. به وضوح کشوری که نتواند مهارت ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره برداری کند قادر نخواهد بود هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد.

مکانیسم نهادی اصلی برای توسعه مهارت ها و دانش انسان، نظام آموزشی است. لیکن اکثر کشورهای جهان سوم بر این باورند که رمز اصلی توسعه ملی فقط در گسترش کمی سریع فرصت‌های آموزشی است. بدون آنکه به فرصت های شغلی و نیاز بازار کار توجهی داشته باشند. آموزش و اشتغال به طور ویژه بر محور دو جریان اصلی اقتصادی دور می زند:

۱- تأثیر متقابل تقاضای آموزشی (که انگیزه های اقتصادی است) و عرضه آموزشی؛

۲- تفاوت بین فواید و هزینه های اجتماعی و شخصی در سطوح مختلف آموزشی و اثرهای این تفاوت در استراتژی سرمایه گذاری آموزشی

ظهور پدیده بیکاری تحصیل کرده ها در اکثر کشورهای در حال توسعه، گسترش کمی و وسیع نظام آموزشی را زیر سؤال می برد. به طوری که چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی مشکل می توان آن را بر حسب تخصیص بهینه منابع توجیه کرد. با فزونی عرضه بر تقاضای آموزش دیدگان، آنها مجبورند مشاغلی را بپذیرند که سطوح تحصیلی پایین تری را طلب می کنند. به این ترتیب مدرک، شرط به دست آوردن شغل می شود و نه مهارت و آموزشی که فرد کسب کرده است. ایران نیز از این موضوع مستثنا نبوده و به همین دلیل بیکاری دانش آموختگان در ایران در چارچوب بیکاری ساختاری تحلیل می گردد (بیابانی، ۱۳۹۷).

اهمیت مهارت‌های نرم در اشتغال

وقتی صحبت از مهارت در اشتغال است، اولین تأکید به طور معمول روی تواناییها و دانش فنی در حوزه تخصصی است. در حالی که ایجاد پایه های آموزشی و کسب مدارک تخصصی مناسب لازم هستند اما برای تعیین موفقیت در عصر مدرن کافی نیستند.

مهارت‌های نرم غالباً نادیده گرفته می شوند در صورتیکه این مهارتها در همه صنایع و مشاغل و حتی در زندگی روزمره فردی و اجتماعی ضروری اند. مهارت‌های نرم همیشه در تجارت مهم بوده اند اما در چند سال گذشته، به نیازهای اساسی محل کار تبدیل شده اند. ارتباطات، توانایی کار گروهی، غلبه بر مشکلات، گوش دادن و ... به اندازه دانش فنی و دیگر مهارت‌های سخت اهمیت دارند. اما دلیل این اهمیت چیست؟ چه چیزی باعث اهمیت مهارت‌های نرم می شود؟

برای درک اهمیت مهارت‌های نرم در عصر مدرن، به بررسی آمار می پردازیم. تحقیقی که توسط دانشگاه هاروارد انجام شده است نشان می دهد که ۸۰٪ دستاوردها در حرفه هر فرد به وسیله مهارت‌های نرم و تنها ۲۰٪ با داشتن مهارت های سخت کسب می شوند.

البته این امر از اهمیت مهارت های سخت نمی کاهد و فقط بر اهمیت مهارتهایی که تا همین اواخر مورد غفلت واقع شده اند تأکید می کند. آموزش مهارت های نرم مانند ارتباطات و حل مسئله باعث افزایش بهره وری و بازده سرمایه گذاری می شود. (میرزایی و شریف زاده، ۱۳۹۶)

امروزه اکثر کارفرمایان به دنبال استخدام، حفظ و ارتقاء افرادی هستند که دارای مهارت‌های اخلاقی باشند و همچنین قابل اعتماد و باانگیزه نیز باشند. صاحبان مشاغل کوچک باید طی مراحل استخدام کارمندان جدید، اهمیت یکسانی را در مهارت های سخت و نرم در نظر بگیرند. علاوه بر این، کارکنان فعلی باید در صورت ضعف در این زمینه، مهارت‌های نرم خود را توسعه دهند.

داشتن ارتباطات مؤثر، تمایل به کار و یادگیری و داشتن نگرش مثبت در محیط کار مدرن بسیار اهمیت دارد. در محیط کار مدرن، برای موفقیت در حرفه خود به چیزی بیش از مهارت‌های فنی نیاز دارید.

کارفرمایان امروز به دنبال افرادی هستند که بتوانند وظایف خود را به خوبی انجام دهند و همچنین بتوانند خود را با فرهنگ سازمان وفق دهند و با سایر (کارکنان تعامل خوبی داشته باشند) (میرزایی و شریف زاده، ۱۳۹۶)

مزایای مهارت های نرم

- مهارت‌های نرم باعث درخشش مهارت‌های سخت می شوند
- مهارت‌های نرم بخش اساسی در یافتن، جذب و حفظ مشتری هستند
- مهارت‌های نرم باعث ارتقای شغلی و افزایش بهره وری کارکنان می شوند
- مهارت‌های نرم کار گروهی را بهبود می بخشند
- مهارت‌های نرم باعث بهبود رهبری می شوند

آموزش حرفه ای و دوره زندگی

هنگام ارزیابی شایستگی های آموزش حرفه ای، کارشناسان معمولاً به عنوان نرخ اصلی بیکاری جوانان متوسل می شوند. که به همین ترتیب، مجموعه و سویی از تحقیقات مختلف آموزشی را مقایسه می کند؛ با تمرکز بر ورود به بازار کار، مسیرها را دنبال می کند (مولر و گانگل، ۲۰۰۳، شاپویت و مولر، ۲۰۰۸). با این حال اطلاعات مربوط به چند سال اول خط سیر کارگران تنها تصویری جزئی از حرفه آنها را در اختیار ما قرار می دهد. آموزش حرفه ای ممکن است مهارت های مفیدی را برای یک رشته شغلی در زمان تحصیل فراهم کند آموزش و در نتیجه ورود به بازار کار را آسان می کند. اما بازاین سوال هست که آیا این مهارتها در این هنگام برای کارگر هنوز با ارزش است یا در اواسط چهل سالگی و بالاتر هستند. در مورد این سوال، ما سه مورد را از هم تشخیص می دهیم ۱. انتظار رقابتی ۲. مزیت تجمعی به نفع آموزش حرفه ای ۳. برگشت سرمایه به نفع آموزش عمومی

پیشینه پژوهش

میرکمالی و باقری خلیلی (۱۳۹۵) در بررسی توانمندی های شغلی، دانش آموختگان رشته های فنی -حرفه ای [شاغل در شرکت ایران خودرو از دیدگاه مدیران واحدکارگروهی، مهارت‌های ارتباطی، تعهد و مسئولیت پذیری، خلاقیت، توانایی حل مسئله، دانش تخصصی و مهارت‌های فنی و عملی را مد نظر قرار داده اند.

مهرعلیزاده و آرمن (۱۳۹۵) در بررسی بازار کار دانش آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه های دولتی ایران ابراز داشتند که در زمینه مطابقت تجارت و برنامه های آموزشی دوره های کارشناسی با نیازهای موجود در بازار کار ناهماهنگی وجود دارد.

هاشمیان اصفهانی (۱۳۹۴) اثر درآمدی آموزش را در صنایع نساجی، آب و برق اصفهان به روش منحنی سن درآمد مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه می رسد که بین آموزش و رشد درآمد، همبستگی مثبت وجود دارد و همچنین افرادی که آموزش بی شتری ک سب کرده اند، درآمد بیشتری هم خواهند داشت.

کوربر و اچ (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان حرفه در مقابل تحصیلات عمومی: اشتغال و درآمد در طول زندگی دوره در سوئیس انجام دادند و نتایج پژوهش نشان داد که چشم انداز اشتغال همچنان برای وضعیت مطلوبی باقی مانده است برای آموزش عمومی در نیمه دوم مشاغل کارگری با این حال، آموزش حرفه ای است هنگامی که کارگران وارد سی سالگی خود می شوند، با درآمد بسیار کمتری همراه است و این آسیب بیشتر است در میان زنان نسبت به مردان. در حالی که مدارک حرفه ای از بیکاری محافظت می کنند، اما هزینه آنها به طور مساوی است منحنی درآمد در طول زندگی.

دانکن و هافمن (۲۰۱۸) با استفاده از داده های PSID و با استفاده از روش خود اظهاری سطحی معادل با ۴۲ درصد برای تحصیلات فرانیاز در سال ۲۰۱۶ در کشور آمریکا دست یافتند و دریافتند که با افزایش سن افراد، تحصیلات فرانیاز، کاهش می یابد. در انتها نیز بیان میدارند، در صورت برابر بودن سالهای تحصیل، افرادی که تحصیلات فرانیاز دارند، نسبت به آنهایی که تحصیلات موردنیاز دارند، درآمد کمتری به دست خواهند آورد، اما در صورت برابر بودن سالهای مورد نیاز شغل، افرادی که تحصیلات فرانیاز دارند درآمد بیشتری کسب می کنند.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی و به صورت تحلیل مضمون می باشد.

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل دانش آموختگان فارغ التحصیل شده در رشته های مهارتی در مقطع دیپلم فنی و افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم رشته های تجربی، ریاضی و علوم انسانی در شهر گرمسار می باشد. روش نمونه گیری نیز به صورت نمونه گیری متوالی یا متواتر (افزایش حجم نمونه تا زمانی رسیدن به کفایت) می باشد

ابزار های گرد آوری داده ها

ابزار پژوهش مصاحبه می باشد

سوالها	
به نظر شما تحصیلاتی که در مراکز آموزشی به شما داده است در کسب موقعیت اجتماعی شما تاثیر گذار بوده است؟	اشتغال
به نظر شما داشتن تحصیلات و کسب علم و دانش در مراکز آموزشی می تواند باعث جلوگیری از بیکاری شود؟	
به نظر شما در مراکز آموزشی میتوان مهارتهای لازم را برای پیشرفت و اشتغال زایی را کسب کرد؟	
به نظر شما تنها دلیل داشتن مهارت و آموزش مهارتها در مراکز آموزشی بدست آوردن ثروت و کسب درآمد می باشد؟	درآمد
به نظر شما با توجه به مهارتهایی که آموخته اید می توانید برنامه ای برای سرمایه گذاری و ایجاد شغل های مفید جامعه و مورد نیاز داشته باشید؟	
به نظر شما مهارتهای لازم که در مدارس آموخته می شود منجر به رفاه و زندگی ایده آل می شود؟	

شیوه تحلیل داده ها:

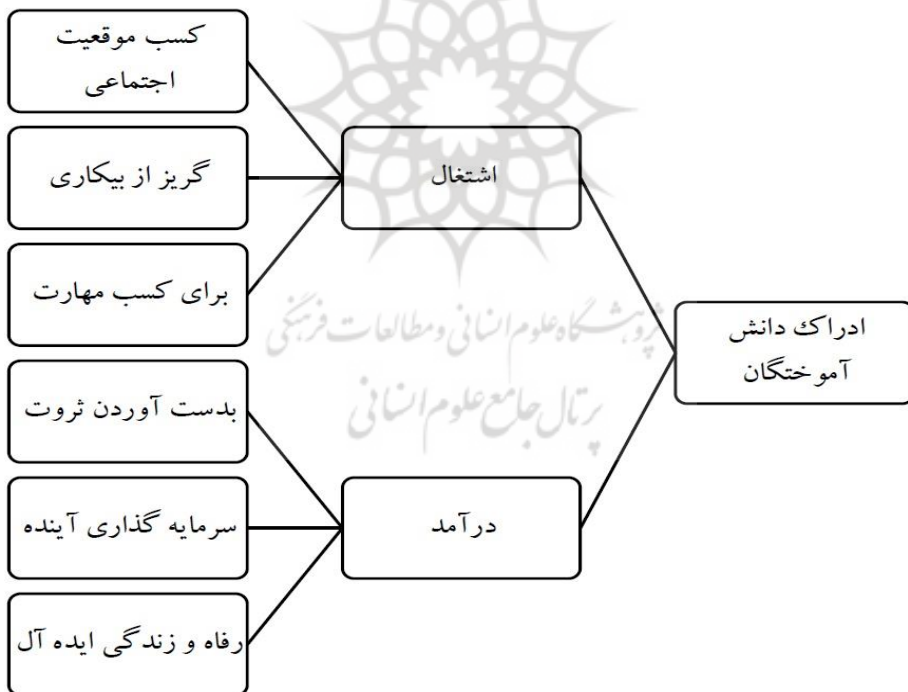
نرم افزار Nvivo عمدتاً برای تجزیه و تحلیل متون در تحقیقات کیفی به کار می رود.

تجزیه و تحلیل داده ها- تحلیل محتوای قیاسی

گامهای تحلیل محتوای قیاسی بر اساس مدل پادگت به شرح زیر انجام شده است

-آشنایی با داده‌ها: برای اینکه پژوهشگران با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شوند، الزم است که خود را تا اندازه‌های در آن غوطه‌ور سازند. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل "بازخوانی مکرر داده‌ها" و خواندن داده‌ها به صورت فعال (جستجوی معنای و الگو) است. در پژوهش کنونی، پژوهشگران قبل از اینکه کدگذاری را آغاز کنند، همزمان با پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، نکات الزم، یادداشت برداری و علامت‌گذاری که در مرحله بعدی به آنها نیاز است را انجام دادند.

-کدگذاری داده‌ها: مرحله دوم زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگران داده‌ها را خوانده و با آن آشنایی پیدا کرده‌اند. این مرحله شامل ایجاد کدهایی از داده‌ها با توجه به چارچوب استخراج شده در پیشینه ادبیات می‌باشد. کدهای استخراج شده از نظر پژوهشگران به یکی از مقوله‌های استخراج شده در چارچوب اشاره. در این پژوهش کسب موقعیت اجتماعی، گریز از بیکاری، برای کسب مهارت، بدست آوردن ثروت، سرمایه‌گذاری آینده و رفاه و زندگی ایده‌آل به عنوان مقولات فرعی با کدگذاری محتوای مصاحبه‌ها استخراج شدند.



کدگذاری باز

فرایند تحلیل داده ها در مرحله کدگذاری باز، در نهایت به استخراج 0 مفهوم و ۸ مقوله اصلی منجر شد. ۰ منظور از منبع، همه مصاحبه شونده‌گانی هستند که به مفهوم مدنظر اشاره کرده اند و تعداد ارجاعات، تکرار دفعاتی است که مصاحبه شونده ها به هر مفهوم تأکید می کنند.

مقوله ها و مفاهیم برداشت از اشتغال و کسب درآمد در بین دانش

آموختگان فارغ التحصیل شده

مقوله	مفهوم	فراوانی	ارجاعات
اشتغال	کسب موقعیت اجتماعی	۵	۵
	گریز از بیکاری	۹	۱۱
	برای کسب مهارت	۷	۷
درآمد	بدست آوردن ثروت	۱۰	۱۰
	سرمایه گذاری آینده	۵	۹
	رفاه و زندگی ایده آل	۱۴	۱۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بحث و نتیجه‌گیری

پیشرفت سریع فناوری و فراگیری دانش که زمینه ساز ورود به عصر اطلاعات و تشکیل جوامع دانش بنیان است، در حال ایجاد فضای جدیدی در سطح جهانی است که پیچیدگی‌های خاص خود را به همراه می‌آورد. پیچیدگی‌های پیش رو به خصوص در کشورهای در حال توسعه مسأله‌ی مدیریت جامعه را با چالش‌های جدیدی مواجه می‌کند. دانش و فناوری می‌روند تا سکوی اول عاملیت را در مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع از آن خود کنند.

کشورهایی که به این مهم پی برده‌اند با درک صحیح از اهمیت جایگاه فناوری و اهمیت ساختار سازی و تحلیل و رصد دائمی عوامل تعیین کننده در این عرصه از جمله بازنگری در روابط ارکان اصلی (دولت، دانشگاه و جامعه)، خواهان آن هستند که در عرصه جهانی کنش گر باشند (طاعتی و بهرامی، ۱۳۹۹) از طرفی پدیده عدم اشتغال و سوء اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی را می‌توان مسئله‌ای به حساب آورد که از اوایل دهه ۱۰ هجری شمسی در ایران بروز کرده است و هر سال حادثه‌تر می‌شود. چشم انداز آینده نیز در صورت ادامه روند کنونی بی‌گمان، مهمتر خواهد بود.

از این رو شناخت وضع موجود و یافتن علت ناهماهنگی‌های عرضه و تقاضا برای طراحی برنامه‌های تربیت نیروی انسانی دارای اهمیت فروان است. پژوهشگران، کیفیت پایین نیروی کار جوان و بالا بودن نرخ بیکاری را به نامناسب بودن آموزش‌های ارائه شده مرتبط می‌دانند (همتی و همکاران، ۱۳۹۶). هر چه دانشگاه و آموزش عالی بیشتر محل توجه و تقاضا واقع می‌شود، حساسیت نسبت به اعتبار سنجی آن، اطمینان از پاسخگویی اجتماعی آن، و تضمین کیفیت آن، نیز بیشتر اهمیت پیدا می‌کند (ایتن، ۲۰۰۶).

فراهم آوردن دانش و مهارت‌های مورد نیاز نیروی کار آتی، یکی از مستقیم‌ترین و بدیهی‌ترین راه‌هایی است که آموزش عالی می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند. از طرف دیگر فراهم کردن شرایط و امکانات لازم برای نیروهای انسانی ماهر و کارآزموده جهت ورود به بازار کار از مهم‌ترین اقدامات و پیش‌بینی‌هایی است که دولت مردان و برنامه‌ریزان می‌بایست جهت پیشبرد برنامه‌های توسعه خود اعمال نمایند (هال، ۲۰۱۸). در راستای آنچه که بیان گردید، بازنگری برنامه‌های درسی اهمیت بسیاری پیدا می‌کند.

عدم موفقیت دانش‌آموختگان در تصدی شغل مناسب، از جمله موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر همواره مورد توجه جدی مسئولان و صاحب‌نظران بوده است. در تحلیل علل این معضل

اجتماعی، دیدگاه های مختلفی وجود دارد؛ برخی اقتصاد مونتاز و بازار کار ناسالم را مقصر می دانند و برخی سرعت تغییرات و تحولات دانش و فناوری در جهان امروز را و برخی عدم صلاحیت و تخصص دانش آموختگان را به عنوان عامل اصلی معرفی می کنند. در حال حاضر نظام آموزش عالی یکی از ارکان آموزش و پرورش نیروهای متخصص در کشورمان است که با توجه به تحقیقات و بررسی های انجام شده در زمینه ارزیابی نظام آموزشی می توان اعلام کرد که بنا به دلایل متعدد دست یابی به هدف تربیت نیروهای متخصص و کارآمد و ایجاد اشتغال برای این نیروها در سطح جامعه محقق نشده است.

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که افراد دارای مدرک تحصیلی رشته ریاضی دارای مزیت قابل توجهی در اشتغال نسبت به رشته های علوم انسانی و تجربی هستند. همچنین دارندگان رشته کامپیوتر آموزش دیده حرفه ای از نظر کسب درآمد از سایر رشته های مهارتی رضایت بیشتری دارند. همچنین افراد دارای مدرک تحصیلی رشته تجربی دارای مزیت قابل توجهی در اشتغال نسبت به رشته های علوم انسانی و تجربی هستند. همچنین دارندگان رشته بافندگی آموزش دیده حرفه ای از نظر کسب درآمد از سایر رشته های مهارتی دیدگاه بهتری دارند. این نتایج با یافته های فورستر^۲ و همکاران (۲۰۱۶) سازگار است. که مزیت اولیه شغلی آموزش حرفه ای سریعتر به یک معکوس تبدیل می شود. در این راستا می توان گفت نگرش تحصیلی بهترین پیش بینی کننده انتظارات شغلی دانش آموختگان است.

به هر میزانی که دانش آموختگان رشته های مهارتی و متوسطه، نسبت به رشته تحصیلی خود دید مثبتتری داشته باشند، به همان میزان می توانند در بازار کار وارد شده و اشتغال یابند. بنابراین به نظر می رسد، زمانی که دانش آموختگان نسبت به توانایی خود که حاصل از رشته تحصیلی و آموزش ها و مهارت های کسب شده در دانشگاه می باشد، آشنایی مطلوب و نگرش مثبتی داشته باشند، با اعتماد به نفس بالایی وارد دنیای بازارکار می شوند و متناسب با همین نگرش، مهارت های شغلی متناسب و مرتبط نیز در وجود آنها پرورش می یابد. و شانس اشتغال آن ها را افزایش می دهد.

مسئولان آموزش می توانند با توجه کردن به نقش ادراک دانش آموختگان از دروس نظری رشته تحصیلی آن ها و ارائه راه کارهایی برای بالابردن درک آن ها، و در راستای تناسب بین رشته تحصیلی و مهارت های شغلی که این افراد در طول تحصیل کسب خواهند کرد گام مهمی بردارند. همچنین

² Forster

دروس عملی با توجه به شباهتی که با دنیای بازارکار و صنعت دارند در زمینه مهارت های شغلی عامل مهمی می باشند، به این صورت که میزان شباهت موجود بین این دو موقعیت خود دلیل مهم و قانع کننده ای برای تأیید نتیجه این سؤال می باشد.

نوع ادراک دانش آموختگان از دروس نظری نیز مانند دروس عملی در نگرش آنها به تحصیل، نقش مؤثری دارد. بنابراین این یافته نشان می دهد که به منظور پرورش و تقویت نگرش دانشجویان و دانش آموختگان نسبت به رشته تحصیلی، مسؤولان مربوطه و افرادی که در زمینه آموزش فعالیت دارند، باید به دروس نظری و نوع محتوایی که در آن ها به دانش آموختگان عرضه می شود حساسیت زیادی نشان دهند. همچنین دروس نظری و محتوای آن ها که همواره سعی در معرفی نظریه های جدید در رشته تحصیلی و به طور کلی کاربردهای یک رشته تحصیلی برای جامعه و بازار کار دارد، باعث میشود که نوعی انتظار شغلی در این افراد شکل گیرد؛ به این معنی که دانش آموختگان درک خواهند کرد که به محض دانش آموخته شدن توانایی احراز چه نوع شغل هایی را خواهند داشت.

محدودیت های پژوهش

به دلیل شیوع ویروس کرونا و عدم ملاقات حضوری با برخی از مصاحبه شوندگان و اجرای مصاحبه به صورت ارتباط از راه دور می تواند در نتایج پژوهش تاثیر منفی داشته باشد.

به دلیل مشکلات اقتصادی به دلیل همه گیری ویروس کرونا و ضربه ای که به مشاغل وارد شده می تواند در نتایج پژوهش تاثیر گذار باشد و نیازمند پژوهش بیشتر می باشد.

پیشنهاد های پژوهشی

به پژوهشگران پیشنهاد می شود سایر مشاغل مهارتی را در پژوهشهای مشابه دخیل نمایند تا بتوان نتایج را در سطح وسیعتری از رشته ها تعمیم داد.

به پژوهشگران پیشنهاد می شود جنسیت را در رشته های مهارتی لحاظ نمایند و رشته های مهارتی مختص هر دو جنس را به طور مساوی در پژوهش خود مد نظر قرار دهد.

پیشنهاد های کاربردی

به کار گیری دانش آموختگان مهارتی در کشور ما مسأله ای است که برای حل آن باید برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های اساسی صورت گیرد.

بنابراین پیشنهاد می شود در زمان انتخاب رشته برای دانش آموزان حتما با آنان مشاوره های تحصیلی صورت گیرد و آنان را از کم و کیف رشته تحصیلی که فرد قصد تحصیل آن را دارد آشنا شود و با آنان مشاوره کنند که با توجه به علایق و استعداد های فردی خود رشته مورد نظر را انتخاب نمایند. همچنین پیشنهاد می شود به مسئولین امر که با توجه به نیاز کشور به مشاغل کاربردی با توجه به ظرفیت و گنجایش مدارس مشاغل مربوطه را تنظیم و در اشتغال زایی فعالیت بیشتری داشته باشند. همچنین پیشنهاد می شود رشته های تحصیلی باید منطبق و هماهنگ با نیاز های جامعه تنظیم شود، همچنین آموزش ها و مهارت هایی که در هر کدام از رشته های تحصیلی ارائه می گردد باید روزآمد و منطبق با مهارت های مورد نیاز جامعه گردد.

منابع

- افشاری، زهرا (۳۱۰۰) بررسی اثر تحصیلات عالی و تجربه بر دریافتهای شاغلان (بخش خصوصی دولتی) در ایران با استفاده از مدل مینسز؛ فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۰۱، صص ۱۲-۵۹.
- امینی، علیرضا (۳۱۰۰). تحلیل عوامل موثر بر تقاضای نیروی کار و موانع اشتغال در اقتصاد ایران. رساله دکتری اقتصاد دانشگاه علوم و تحقیقات.
- بهرورزی، محمد (۲۰۰۰). بررسی توانایی ها و قابلیت های دانش آموختگان دانشگاه ها در پاسخ به نیاز بازار کار به منظور ارائه کی چارچوب ادراکی مناسب. رساله دکتری رشته مدیریت آموزشی دانشگاه علوم و تحقیقات.
- بیابانی، جهانگیر (۳۱۰۰). بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی و بیکاری ساختاری. مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۸۱.
- توسلی، غلامعباس؛ (۳۰۰) 1. جامعه شناسی کار و شغل [ویراست ۸]، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه ی علوم انسانی، چاپ دهم.
- راهداری، جعفر ملک پور، علی محمدی، فواد (۳۰۰۰). بررسی زمینه ها و موانع اشتغال فارغ التحصیلان ۰۱-۰۸۰: دانشگاهی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ۱۱
- زمانیان ۳ علی موسوی، سعید (۳۰۰۰). طراحی مدل مهارت های اشتغال پذیری دانش آموختگان آموزش عالی کشور نمونه موردی بنگاه های کوچک و متوسط استان تهران، مطالعات برنامه درسی آموزش ۲۲-۰۱۰ (۰۳): عالی ۰۱.
- سوری، علی (۲۰۰۰) تفاوت دستمزدهای دولتی و خصوصی در کارگاههای بزرگ صنعتی بر مبنای نظریه دستمزد کارآیی؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۱۱، صص ۱۰۰-۱۳۱.
- سوری، علی؛ ابراهیمی، محسن و حسینی دوست، احسان (۲۳۰) رابطه بهره وری و دستمزد، با تأکید بر تحصیلات نیروی کار (مطالعه موردی صنعت ایران)؛ پژوهش نامه اقتصادی، سال دهم، شماره سوم، پاییز، صص

- Aina, C. and Pastore, F. (2012) *Delayed Graduation and Overeducation: A Test of the Human capital Model versus the Screening Hypothesis*; IZA, Discussion paper, 6413.
- Alba-Ramirez, A. and M. Blazquez (2012) *Types of Job Match, Overeducation and Labour Mobility in Spain*; in F. Buchel, A. de Grip and A. Mertens (eds.), *Overeducation In Europe: Current Issues In Theory and Policy*, Edward Elgar, Cheltenham.
- Babel, J. (2018). *Transitions après un titre du degré secondaire II et intégration sur le marché du travail*, Swiss Federal Office of Statistics,
- Badat, s. (2005). *The role of higher education in society: Valuing Higher Education: University of Cape Town Graduate School of Business Waterfront, Cape Town.* <http://www.academia.edu/1835790>
- Bauer, T.K. (2012) *Educational mismatch and wages: a panel analysis*; *Economics of Education Review*, 21: 221-229.
- Berne. Bol, T. and van de Werfhorst, H. (2011). *Educational Systems and the Trade-Off between Labour Market Allocation and Equality of Educational Opportunities.* *Comparative Education Review*, 57(2), 285-308.

